



رافی پتروسیان

دردی ماه و آذر ماه امسال «رافی پتروسیان» پیانیست هنرمند و مشهور جهان در تهران بود و دوستداران موسیقی توانستند با حضور و شرکت در کنسرت‌های او از هنرمندی او بهره ور گردند.

رافی پتروسیان که امروز در سراسر جهان بعنوان يك پیانیست زبردست و با استعداد شناخته میشود از یک خانواده ارمنی از اهالی ارمنستان است. پدر او «سروژ پتروسیان» که اکنون در پاریس بتعلیم پیانو مشغول است سابقاً درلنین گراد (پترو گراد آنروز) اقامت داشت و در آنجا بهمین شغل مشغول بود و در همانجا بود که با خانم «لوسی مالکاسیان» همسر خود و مادر رافی ازدواج کرد و نیز در همانجا بود که «ادوارد» برادر ارشد رافی که اکنون در پاریس مهندس و فیلمبردار است بدنیا آمد.

مرحوم مالکاسیان پدر لوسی در ارمنستان و در اتحاد شوروی شهرت بسیار دارد زیرا یکی از دانشمندان معروف ارمنی بود که عضویت قهرنگستان علوم شوروی را داشت و چهار جلد کتاب لغت جدید ارمنی را تألیف کرده است که از آثار علمی گرانمایه است. آکادمیسین مالکاسیان پدر بزرگ رافی سه سال پیش در اتحاد شوروی درگذشت.

پدر رافی با خانواده اش از لنینگراد به تفلیس و از آنجا باستانبول منتقل شد و در استانبول بود که رافی در ۱۷ ژوئیه ۱۹۲۵ (۲۵ سال پیش) بدنیا آمد.

باین قرار رافی در یک خانواده موسیقیدان متولد شد. زیرا پدرش معلم پیانو بود و مادرش لوسی هم، کمی ویولون مینواخت.

رافی چهار سال داشت که خانواده او یکبار دیگر نقل مکان کردند و از استانبول به بروکسل رفتند. شش ماه بعد رافی بتعلیم پیانو را نزد پدر خود شروع کرد و استعداد بسیاری نشان داد بطوریکه یکسال بعد وقتیکه پنج سال و نیم داشت در «کاخ هنرهای زیبا» در بروکسل برای نخستین بار کنسرت



داد. از این نخستین کنسرت او که با تحسین حصار پایان یافت داستان شیرینی نقل میکنند.

وقتی که رافی کوچولو کنسرت خود را پایان داد یک پاتینت (روروك)

به او هدیه دادند و برایش بروی صحنه بردند و رافی بدون اعتنا بصحنه و تماشاچیان همانجا سوار پاتنت شد و بدور پیانو می چرخید و مردم همچنان کف میزدند.

خود رافی از این دوران خاطره‌ای دارد که خیلی برایش زنده است و آنرا از یاد نمی برد زیرا این نخستین برخورد او با «راخمانینوف» پیانیست و آهنگساز مشهور بود.

در سال ۱۹۳۱ رافی شش ساله بود که راخمانینوف استاد معروف که از مشهورترین هنرمندان زمان بود در بروکسل کنسرتی داد. خانواده پتروسیان میخواستند هدیه ای بااستاد تقدیم دارند و چون نمیتوانستند چیزی مهمی فراهم کنند زنبیل گل خیلی بزرگی تهیه کردند که کارت کوچکی بآن الصاق شده بود و روی آن نوشته بود «از کوچکترین به بزرگترین» که منظور، از کوچکترین پیانیست به بزرگترین پیانیست، بود. خود رافی کوچک هم به همراه زنبیل گل بروی صحنه رفت. اما راخمانینوف که متأسفانه هنرمندی تند اخلاق و مغرور و حسود و سرد بود از این هدیه خوش نیامد و بروی کارت نوشت «از بزرگترین به کوچکترین» و بدون هیچ اعتنا و تشکری از صحنه خارج شد و مردم همچنان برای او و برای رافی کوچک که در روی صحنه سرگردان مانده بود کف میزدند.

رافی تا هفت سالگی پنج کنسرت داد که دو تا در بروکسل دو تا در پاریس و یکی در لاهه برگزار شد.

در این زمان خانواده پتروسیان از بروکسل پاریس انتقال یافت که هنوز هم در این شهر هستند و حالا همه اتباع دولت فرانسه میباشند. رافی که تا هفت سالگی پیانو فقط از راه گوش تعلیم گرفته بود به انستیتوی موسیقی معروف پاریس بنام «انستیتوی ریمون تیریژه» وارد شد و به تحصیل تئوری موسیقی و نوت و غیره پرداخت و در ضمن کنسرتهای خود را دنبال میکرد در ۹ سالگی دو کنسرت در پاریس داد که در آنها کنسرتوی لیست و کنسرتوی بولنک (از آهنگسازان معاصر) را به همراهی ارکستر سمفونیک پاریس نواخت. رافی در ۱۲ سالگی دوره انستیتو را پایان رسانید.

در سال ۱۹۳۹ رافی کنسرت بزرگی در پاریس داد و بعد قرار دادی برای مسافرت به آمریکا و اجرای چند کنسرت منعقد کرد اما بعلت شروع جنگ این مسافرت عملی نشد در این زمان رافی ۱۴ سال داشت.

در تمام دوران جنگ رافی در پاریس بود و سالی سه چهار کنسرت میداد. بلافاصله بعد از جنگ بانگلستان رفت و چون در نخستین کنسرت خود در لندن موفقیت و شهرت فوق العاده پیدا کرد قرار دادی با او بستند که ده کنسرت در شهرهای مختلف انگلستان اجرا کند که یکی از آنها در سالن رویال آلبرت هال لندن که از بزرگترین تالارهای موسیقی جهانست بهمراهی او کتر سمفونیک لندن اجرا شد.

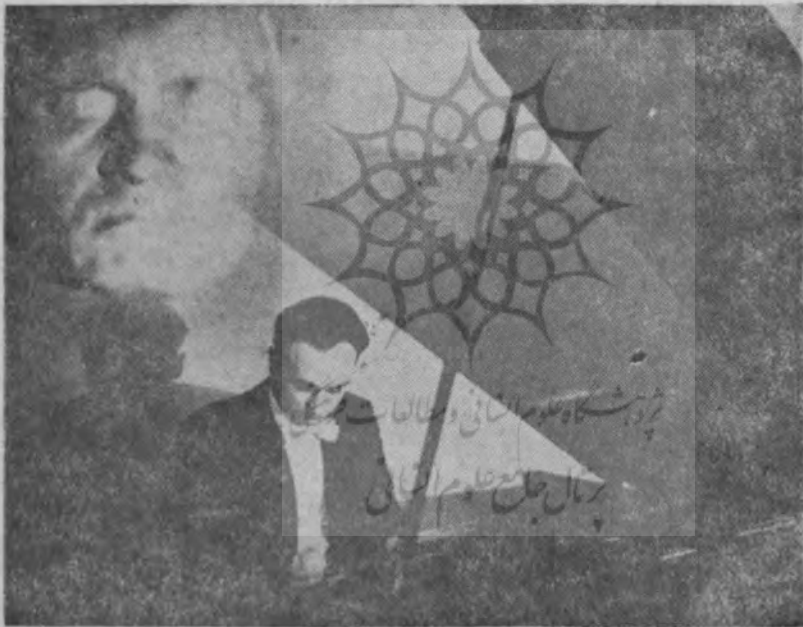
در شهرهای گلاسگو، ادیمبورگ، لندن، بیرمنگام، لیورپول، شیلده، نیو کاسل و سوتهمتون کنسرت‌های رافی موفقیت‌های بسیار بدست آورد و مطبوعات این شهرها همه یک صدا هنرنوازندگی او را ستودند. رافی در آلبرت هال لندن کنسرتوی دوم راخمانینوف را برهبری «مالکولم سرجانت» و در بیرمنگام کنسرتوی اول لیست را برهبری «ولدون» اجرا کرد که برای هنرمند جوان شهرت فوق العاده ایجاد کرد بعد دو کنسرت بزرگ برهبری «ژان فورنه» رهبر معروف ارکستر در پاریس اجرا کرد که در آنها چهار کنسرتو از بتهوون و راخمانیتوف، لوبری و لیست اجرا کرد و بعد قرار دادی با رادبو لندن منعقد کرد و کنسرتوی معروف «سنت سانس» را نواخت آنکاه سفری با فریقای جنوبی رفت که چهار ماه طول کشید، از این سفر رافی داستان شیرینی نقل میکند باین قرار:

«وقتی که وارد «کاپتون» شدیم مارا به گمرک راهنمایی کردند ما بامورین گمرک گفتیم که در جامه دانهایمان چیزی نیست و موسیقیدان هستیم، مأمور گمرک گفت از کجا بفهمم که شما موسیقیدانید تا نام آواز خوانی که همراهان بود نغمه‌ای سر کرد و بعد مرد آواز خوان بیاس که همراهان بود صدای خود را نشان داد آنکاه نوبت بن رسید او گفت من بیانیست هستم اما میتوانم آواز هم بخوانم و آنوقت شروع کردم با آواز خواندن مأمور گمرک که صدای مرا شنید گفت بروید اما اگر پیانو زدن هم مثل آواز خواندن باشد که نمیدانم چگونه موسیقیدانی هستی؟!»

در مراجعت پاریس رافی باز کنسرت‌های مکرری داد. از جمله کنسرت هائی بنفع صلیب سرخ فرانسه و بنفع انجمن‌های خیریه ارامنه اجرا نمود. رافی با اینکه هنوز جوانست و بیست و پنج سال بیشتر ندارد بیانیستی هنرمند و مشهور است که در همه جا شهرت دارد.

رافسی هنرمندی ساده ، بی تکبر ، خوش قلب ، مهربان و از همه مهمتر زیباست .

این اولین بار است که رافی بخاور میانه و ایران می آید . در این سفر یک کنسرت در ایرووت داده است . دو کنسرت رسیال و دو کنسرت همراه با ارکستر در تهران اجرا میکند علاوه بر این در برنامه یاد بود دویستمین سال مرگ باخ که از طرف وزارت فرهنگ در تهران برپا شد ، رافی بطور افتخاری شرکت کرد . کنسرتهای رافی پتروسیان در تهران موفقیت بسیار داشت و همواره سالن بزرگ فرهنگ از شنوندگان او مملو بود .



از کارهای مهمی که رافی در تهران انجام داد این بود که قطعاتی از امان الله حسین کمپوزیتور ایرانی را که در پاریس است برای نخستین بار در تهران نواخت که مورد توجه و علاقه شنوندگان ایرانی او قرار گرفت . در دو کنسرتی که رافی به همراهی ارکستر سمفونیک تهران و برهبری رویبک کریگوریان اجرا کرد در کنسرت اول (فستیوال بهوون) « کنسرتوی

سوم برای پیانو و ارکستر» از بهوون و در کنسرت دوم (فستیوال موسیقی شرقی) کنسرتوی خاچاطوریان برای پیانو و ارکستر را نواخت و این هر دو قطعه برای اولین بار در ایران اجرا میشد.

در پاریس کنسرتوی خاچاطوریان را برای نخستین بار يك سال پیش نواختند.

رافی با بزرگترین ارکسترها و رهبران ارکسترهای اروپا کنسرت داده است و تا کنون ۲۵ کنسرتوی مختلف از آثار آهنگسازان مشهور کلاسیک و معاصر را نواخته است.

رافی بزبانهای فرانسه و انگلیسی و ارمنی صحبت میکند و نخستین کلمه فارسی که در پاریس یاد گرفته «فردا» است.

رافی با دیپات مخصوصاً ادبیات کلاسیک و رمانتیک فرانسه خیلی علاقمند است و علاوه بر این مجموعه‌ای از نت‌ها و پارتنیونهای موسیقی جمع‌آوری میکند بطوریکه امروزه ۴۰۰ پارتنیون مختلف از آثار موسیقی دارد.

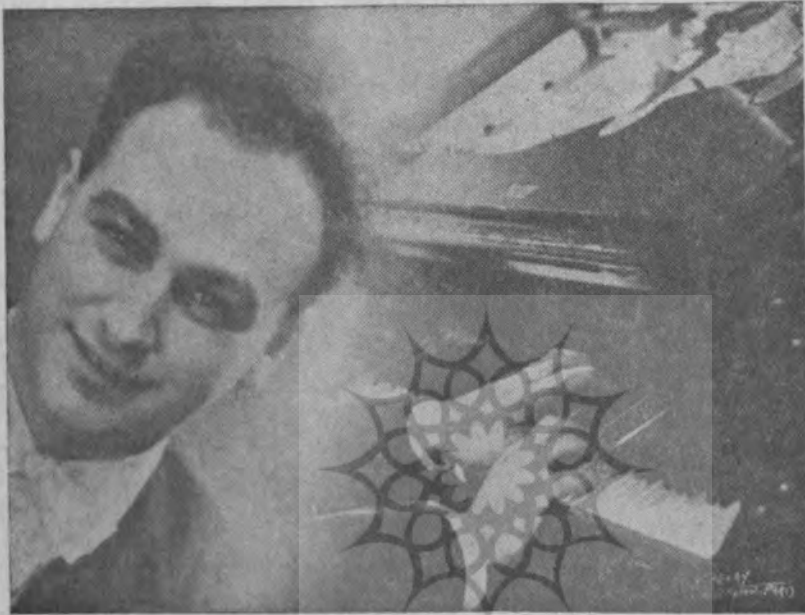
از شیرین‌ترین داستانهای رافی اینست که میگوید یکروز در پاریس با یکی از رفقایم که وکیل عدلیه بود دوپای اعلان بزرگ يك کنسرت ایستاده بودیم. در اعلان برای يك بیانیت آگهی کرده بودند و ما هم میگفتیم که این بیانیت نمیتواند خیلی خوب بنوازد در این موقع جوانی از پشت سر ما وارد صحبت شد و گفت بلی این بیانیت خیلی خوب بنوازد در حالیکه رافی پتروسیان را من در کنسرت دیده ام و آرتیست بزرگ است و مقداری تعریف و تمجید هم علاوه کرده بدون اینکه بداند با خود رافی پتروسیان صحبت میکند.

بالاخره دوست رافی بچوان مزبور میگوید که رافی پتروسیان همین آقا است ولی او بهیچوجه قبول نمیکند بطوریکه رافی مجبور میشود که شناسنامه خود را با او نشان دهد تا او قبول کند که خود او رافی پتروسیان است.

رافی دو سال پیش با يك دختر ارمنی فرانسوی در پاریس ازدواج کرد و اکنون يك پسر کوچک ۱۸ ماهه بنام «آریل» دارد که امیدوار است او هم موزیسین بشود.

در تهران رافی از دیدن هنرستان موسیقی تهران خیلی اظهار مسرت کرد و با رویك گریگوریان دوستی صمیمانه‌ای برقرار کرده است و اغلب روزها در هنرستان موسیقی تمرین میکنند. با اینکه در تهران کسانی حاضر بودند که برای يك جلسه تعلیم گرفتن از رافی چندین صد ریال میدادند رافی

هرگز چنین کاری را قبول نکرده است. در حالیکه چند تن از هنرجویان هنرستان را بارها در کمال مهربانی تعلیم داده است. ویکروز هم کنسرتی مخصوص شاگردان مدرسه ترتیب داد.



رافی از تهران به آبادان می‌رود و در آنجا کنسرت خواهد داد از آبادان نیز به بغداد و بیروت می‌رود و پس از چند کنسرت بیاریس خواهد رفت تا از آنجا باستانبول بیاید و در این شهر که زادگاه اوست چند کنسرت بدهد و بعد به هلند و انگلستان برود.

رافی در کمال مهربانی وعده کرده است که سال دیگر هم بایران بیاید و چند کنسرت بدهد مخصوصاً که در تهران خیلی بگرمی مورد استقبال واقع شده است و بعلاوه خاله او هم «خانم آناهیتا بوداغیان» در تهران اقامت دارند.

ما امید داریم که رافی بتروسیان خاطرات خوشی از ایران ببرد و نه تنها باز هم بارها او را در تهران به بینیم بلکه وسیله ای باشد که هنرمندان دیگری هم بایران بیایند و کشور ما را در ردیف کشورهای دوسته‌ار موسیقی بشمار آورند.

« محمود »